

متن	افکت
دست تو باز می کند پنجره های بسته را هم تو سلام می کنی رهگذران خسته را دوباره پاک کردم و به روی رَف گذاشتم آینه ی قدیمی غبار غم نشسته را پنجره بی قرار تو کوچه در انتظار تو تا که کند نثار تو لاله ی دسته دسته را شب به سحر رسانده ام دیده به ره نشانده ام گوش به زنگ مانده ام جمعه عهد بسته را این دل صاف کم کمک، شدست سطحی از ترک آه شکسته تر مخواه آینه شکسته را.. بسم ... سلام و عرض ادب و احترام خدمت همه شما بزرگواران، میلاد با سعادت حضرت صاحب الزمان را خدمت یکایک شما عزیزان تبریک و تهنیت و شاد باش عرض می کنم. به جشن میلاد امام زمان علیه السلام خوش آمدید. و امیدوارم برنامه ای که براتون تدارک دیدیم و در خدمتون هستیم مورد پسند و رضایت و البته استفادتون قرار بگیره. و باهم، درکنار هم دقایق متفاوت و شادی رو داشته باشیم. پس به یمن قدوم مبارک و پربرکت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف یک دست گرم و جانانه بزنید. ما مسلمانان یه رسم زیبایی داریم که برنامه هامون و با شنیدن آیات الهی شروع می کنیم. الان هم می خواهیم به آیاتی از کتاب جاودانه الهی گوش کنیم. آیاتی که برای همه ما آشناست و همه ما را به یاد یک ماجرای می ندازه. داستانی از مهربانی بانوی مهربان، ریحانه خلقت، حضرت زهرا سلام الله علیها این آیات را با هم بشنویم تا داستان را با هم مرور کنیم. (پخش آیه) تعرف داستان هرگز نرسید به حقیقت نیکی، تا آنکه انفاق کنید از آن چه دوست می دارید نقل شده که حضرت زهرا (س) هنگام عروسی پیراهنی کهنه داشت که رسول خدا (ص) ضمن جهیزیه آن حضرت، پیراهنی نو تهیه نمود تا زهرا (س) آن را در شب عروسی در بر کند، وقتی فاطمه زهرا (س) با لباس نو به منزل علی (ع) رسید و مراسم جشن و اطعام پایان یافت و زهرا و علی تنها شدند، فقری بر در خانه آمد و اظهار حاجت نمود و	۱ آیه ۱

۲ آیه ۲ ۳ زیارت سرود شاد باصدای آرام	گفت: ای اهل خانه گرسنه و عریانم مرا اطعام کرده و بپوشانید. فاطمه زهرا (س) از غذای عروسی برای آن فقیر کنار گذاشت و لباس جدید خود را از تن بیرون آورد و همان لباس قدیمی را در بر کرد و غذا و لباس را به فقیر بخشید و آنگاه فرمود: لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ [۱]: به نیکی نمی‌رسید، مگر زمانی که از آنچه دوست می‌دارید، انفاق کنید). هنگام زفاف که فرارسید جبرئیل نازل شده و گفت: ای محمد همانا خداوند سلامت می‌رساند و به من دستور که بر فاطمه سلام کنم و با من هدیه ای از لباسهای بهشتی از سندس سبز فرستاده، می‌خواهم به او بدهم، هنگامی که سلام خداوند را به او ابلاغ فرمود و پیراهنی را که جبرئیل آورده بود بر او پوشانید (بخش دوباره آیه با اعلام مجری) می‌فرماید: سلام مستحب است و جواب سلام واجب – وقتی به یک نفر سلام میدیم – می‌خواد که جواب سلام ما رو بده باید رو کنه به سمت ما – می‌خواهیم امام زمان علیه السلام در همین اول برنامه رو کنند به سمت تک تک ما- به سمت تک تک شما عزیزان تا ان شالله بهترین ها رو در این شب نصیبتون کنند. پس بلند شیم و به رسم ادب و احترام رو پاهامون به سمت قبله بایستیم و به امام زمان علیه السلام با چند فراز از زیارت آل یس به مولود مبارک این ماه سلام بدیم. به امید توجه ویژه ایشان در همین ابتدای برنامه خیلی خوب می‌شد اگر گاهی زندگی را این گونه ببینیم؛ مثلاً نیت کنیم که امروز غذا درست کنم به امید اینکه شما کمی از غذام و بجشی! نمی‌دانم مولای من! چه دوست دارید؟! اما امیدوارو دست پختم را بپسندید ... سلام... سایه تان بر سر تک تک لحظه هامان مستدام باد. خوش لحظه ها نوش جانتان، باز هم سلام، مولای من! یک امروز را میهمان ما باش. به افتخار قدوم پر برکت حجه بن الحسن عجل الله تعالی فرجه، زیباترین دست ولایتان را بزنید. مژده باد ای منتظران جان جهان می‌آید بر تن مرده دلان روح و امان می‌آید
سرود شاد	مسابقه ۱۷:۴۵ – ۱۸:۰۵
	ای منتظران گنج نهان می‌آید بر بام سحر طلایه داران ظهور آرامش جان عاشقان می‌آید گفتند که صاحب الزمان می‌آید خب بریم یه سرود زیبا بشنویم و در ادامه در خدمتتون باشیم. دعوت می‌کنم از گروه سرود آیه با دستان گرم‌تان همراهیتشون بفرمایید

تقدیر و تشکر از گروه سرود آیه، و تشریف فرمایشون

با آمدنت قرار می آید باز سرسبزی این دیار می آید باز
می آیی و با طنین سبز قدمت گل پوش ترین بهار می آید باز

خب می خوام براتون یه داستان تعریف کنم

زید بن اقم، نام یکی از اصحاب پیامبر خداست. اما بعد از اونکه پیامبر از بین مردم رفتن از جانش ترسید و آن جایی که باید از حریم ولایت و امامت امیرمومنان حضرت علی علیه السلام دفاع می کرد این کار و نکرد.

بعد از گذشت مدتی، همین شخص مریض شد و در بستر بیماری افتاد، وقتی امیرالمؤمنین علی علیه السلام شنید که زید بن ارقم مریض حال است به عیادت و دیدار او آمد.

همین که زید بن ارقم چشمش به جمال نورانی امام افتاد، گفت: مرحبا به امیر مؤمنان، که از من عیادت می نماید، با این که از ما دلگیر و آزرده خاطر می باشد.

امام علی علیه السلام فرمود: ای زید! آن ناراحتی که برای ما به وجود آوردی هرگز مانع آن نمی شود که ما شرط انسانیت و حق دوستی را فراموش کنیم؛ و تو را در حال بیماری عیادت نکنیم.

خوش به حال ما که چنین مولایی داریم. و چنین مولایی در مورد فرزندش، امام زمان ما، حضرت مهدی علیه السلام می فرمایند: او از همه بیشتر مردمان را پناه می دهد. (الغیة للنعمانی، النص، ص: ۲۱۴) راستی! اونهایی که امام زمان ما رو ندارند، چی دارن تو زندگیشون؟! و مایی که ائمون و امام زمان رو داریم. چی نداریم؟! چی کم داریم؟! روزها و این شب ها. شب های شاد. یادمون نره که دست به دامن امام زمان علیه السلام بشیم. یادمون نره که بریم در خونه خدا. امیرمومنان را واسطه قرار بدیم و از صمیم قلب آرزو کنیم فرج و ظهور امام زمان علیه السلام را. اللهم عجل لولیک الفرج.

خب تشکر می کنم از همراهی شما بزرگواران. در این بخش در خدمت استاد ارجمند سرکار خانم سالک فر خواهیم بود. تا ایشون تشریف میارن و سخنانشون و بشنویم.

سخنرانی ۱۸:۲۰ - ۱۸:۴۰

مولودی دسته جمعی ۱۸:۴۰ - ۱۹

امروز همه ما اومدیم به جشن تولد

جشن تولد پدری، مهربان تر از پدر- جشن تولد حضرت مهدی علیه السلام

همیشه همه جشن تولدها هم کیک داره و هم کادو- تا حالا شده بگیریم دیگه تکراری شده و کادو با خودمون نبریم؟! نه. هیچ وقت تکراری نمیشه. هیچ وقت هم دست خالی به تولد نمیریم. پس بیاین هدیه هامون و آماده کنیم.

۴٪ برصدا

میهمانان عزیزی که از اول ساعات برنامه در جشن ما حضور داشتند، گفتگوی دوستان من رو در میزهایی که قسمت بالا بود و شنیدن. از یه معامله گفتیم، پر سود ترین معامله ای که می تونید تصورش رو بکنید. گفتیم ما توی این آشفته بازار دنیا هر جا که محکم و با دل قرص قدم برداشتیم، اونجایی بود که همراه و یآوری داشتیم که با تکیه به اون قدم برداشتیم. یه پارتی کلفت ...

می خوام بدونم، چی کار کنم که پشتیبانی ویژه بالاترین قدرت و مه! بهتره بگم خالق قدرت و ... پشتیبانی خالق یکتا رو تو زندگیم داشته باشم؟! کتاب خدا رو ورق زدم رسیدم به آیه ۷ سوره ای که به نام حبیب خداست. و در آن وعده بزرگ و عجیبی دیدم.

خدا وعده داده که من و یاری میکنه. حتی بالاتر. هم یاریت می کنم و هم قدم هات و محکم و ثابت میکنم.

اما اول آیه خبر از یک شرط داره. خبر از یک معامله

در هر معامله ای باید کاری کنی تا چیزی بدست یاری! خب! خدایا چه کنیم که یاور و یار ما در لحظه لحظه زندگیمون باشی؟

خداوند گفته: من رو یاری کنید!!!!!! تا من یاورتون باشم!

خدا!! یاری من!! مگه نیاز داره؟! اصلاً یاری خدا چجوری میشه؟

روایت زیبایی از امیرالمومنین علی علیه السلام هست که می فرمایند خدا باب یاری رو باز کرده نه بخاطر اینکه نیازی داشته باشه بلکه از سر لطف که امکان رشد و کمال رو برای ما باز کنه این راه رو باز گذاشته بیاییم دوباره توی همین کتاب از میان کلام خدا جواب این سوال رو پیدا کنیم.

وقتی توی شاهراه های سعادت قرآن می گردیم به عنوانی بر می خوریم که خدا به افراد خاصی داده و اونها رو یاوران خودش معرفی کرده!

توی آیاتی که خداوند سرگذشت حجت خودش حضرت عیسی علیه السلام رو نقل می کنه و بعد از ذکر سختی و ستم هایی که به حضرت عیسی روا می دارند جایی اینگونه نقل می کنه که حضرت عیسی از مردم یاری می طلبه و درخواست کمک می کنه و عده ای که نامشون برای ما آشناست و به آنها حواریون حضرت عیسی می گوئیم بلند می شوند و میگویند ما یاوران خدائیم و پاسخ یاری خواستن حضرت عیسی را می دهند). آل عمران ۵۲)

نگفتند ما یاور عیسی هستیم بلکه گفتند ما یاوران خدائیم! جواب رو پیدا کردید؟!

اون معامله پر سودی که الان به نوعی می خواهیم بریم سراغش همینیه. که ما هم بشیم یاوران خدا با به یاری برخواستن حجت خدا! چجوری؟

یکی از شون امام زمان اینکه پدر ما هستن. پدری دلسوز. پدر که به شادی بچه هاش شاد میشه و به غمشون

۵ زیرصدا ۶هدیه ۷ هدیه پشت هم پخش شود	غمگین. وقتی ببینیم بابایی هست که دل نگران بچه هاشه. میرم ببینم بچه ها چه مشکلی دارن که من بتونم انجام بدم. مثلا این هفته دکتر بردن فلانی با من. یا من حتما فردا میرم به اون یکی سر می زنم- بابا! خیالت راحت من میرم ضامنش میشم کارش راه بیوفته - اون یکی رو قرض هاش و میدم - این کوچیکه رو هم خودم تو درس ها کمکش می کنم و الان یه نگاه بکنید تو اطرافیانتون (پدر، مادرو) چه کسی هست که می تونم کمکش کنم. اطراف ما پره از این آم ها و بعد بگو یاصاحب الزمان! بابای مهربونم. این هفته از فلان بچت خیالت راحت من هستم. چه هدیه ای بهتر از این می تونه دل یک پدر رو شاد کنه؟! و وقتی یک طرف معامله کارش و درست انجام بده. اون طرف هم کم نمی زاه. اون هم وقتی طرف معاملت خدا باشه. یاریش و حتما می بینی. در یک میوه های شما برگه ای گذاشته شده که این قول را بنویسیم و ... بنویسیم هدیه بدیم به امام زمان و بنویسیم و با خودمون ببریم برای یادآری. یادم نره هدیم و بدم. یه زمانی رو میدیم تا شما هدیه هاتون و بنویسید. و دوستان من میان تعدادی از این هدیه ها رو جمع می کنند و اینجا قرار میدن تا کیک تولد رو بیاریم. منتظر هدیه های شما هستیم.
---	---

۸ کیک *۹ بیا یگانه تک سوار با صدای کم آمدن کیک سرود صدای بلند فشفشه بعد از بریدن کیک دوباره سرود شاد	<u>متن کیک</u> به شادباش قدمه‌هایت زمین دامن کشان می‌آید و آسمان آغوش گشاده، آب سرگردانت گشته، خاک در پی ات، و باد گوش به فرمانت، زیر تابش نگاهت زمین زمرد می‌شود و آسمان فیروزه، و یاقوت لبخند نگرینی می‌شود بر لبهای عاشقانت مگر می‌شود سخن از آمدن یار شیرین باشد و شیرینی نباشد و مگر می‌شود عاشقانت را سرود شادی و شهد شیرینی در دهان نباشد. *کیک شادمانه آمدنت که باشد، لبخند مادر هم هست، نگاه مادر هم هست، و عطر دعایش نفس زندگی‌مان را تازه می‌کند... به افتخار کیک میلاد یگانه روزگار منجی عالم، حجه ابن الحسن گل نرگس، پسر امام عسکری، حضرت مهدی علیه السلام. دعوت برای بریدن کیک می‌خوایم همینجوری کیک و نبریم. می‌خوایم دعا کنیم. هر کدوم تو دل‌هاتون نیت کنید. برای هم دعا کنید. تا ریم با بریدن روی کیک یه عهد و پیمانی با امام زمان ببندیم. در پس این همه تیرگی دوران‌ها، ما به فروغ نگاه وجود تو دل بسته‌ایم. و به یقین و با هزار امید به در خانه‌ی تو نشسته‌ایم که اینجا خانه‌ی پدری ماست. و هیچ جای دنیا خانه‌ی پدری نمی‌شود. اینجا جشن تولد پدریست ... پدری که فرزندانش آنچنان که باید هوای والا پدرشان را نداشتند. آقا جان: این برشی که روی کیک میلاد شما می‌افتد یک پیام عاشقانه است و یک پیمان آگاهانه ... ما با شما بیشتر از آن‌چه که تاکنون بوده‌ایم، همراه خواهیم بود و بیشتر از شما خواهیم گفت و بیشتر از شما خواهیم خواند. این خط این نشان...
۱۰ ازیرصدا توسل	<u>توسل پایانی</u> می‌دانم هستی... می‌دانم می‌بینی. صدایم را می‌شنوی و نگرانی. نگران و غمگین، نگرانی از جنس مهر پدرانه ات و غمگین از غم‌هایی که گاهی در دل‌های دوستان سنگینی می‌کند. و تو با درد هر کدامشان درد می‌کشی و با غم هر کدام، غمگینی. و تو دستشان را میگیری و در واویلا بی کسی... تو هستی و ... تو... تو پادشاه عالمی و غم چه واژه کوچکی است در سلطنتت؛ و من چه حقیرم اگر در قلمرو ات کاری نکنم. تو

۱۱دعای فرج	پادشاهی و من می خواهم کارگزاری باشم. گره کوچکی را که تو به نگاه باز می کنی من تلاش کنم که به دستم باز کنم. که نگاه خریدارانه تو گره از دلتنگی ام باز می کند. و چه شعفی در چشمان پر مهرتان می دود اگر گره ای از کار شیعیان تان باز شود. و ما آدمها چه می دانیم که غیبت شما چه به روزمان آورده؟! و چه می فهمیم دعای عجل فرجه چه گره عظیمی از زندگی مان باز می کنند. می دانم که دلگیری از این روزهای غیبت. از ظلم ها، گرفتاری ها، سیاهی ها. دلگیری از ما که تو را یادمان می رود. که اگر بیایی چه گلستانی می شود دنیای ما. ما یادمان می رود که تو بیش از همه به فکر مایی. پس من امشب، شب میلادت به شکل دیگری آمدنت را از خدا طلب می کنم.
-------------------	--